
گنجینه
گویش‌شناسی فارس

تألیف
عبدالنبی سلامی (پروڤان)

«دفتر ششم»

گویش‌های :

اِهوه‌ای

- باشتویه‌ای

تلوچی

جویمی

چاه‌گونویی

دُری

دُشی (دُشینی)

لای‌زنگانی

مَرایجانی / مَاجانی

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

نشر آثار / تهران ۱۳۹۰

سلامی، عبدالنبی، ۱۳۲۹ -

عنوان و نام پدیدآور: گنجینه گویش‌شناسی فارس / تألیف عبدالنبی سلامی؛ زیر نظر گروه گویش‌شناسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛

نشان: تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گروه نشر آثار، ۱۳۹۳ -

مشخصات نشر: ج: مصور، جدول، نقشه.

فهرست: فرهنگستان زبان و ادب فارسی: ۲۶، ۲۴، ۵۱، ۸۵.

شابک: دوره: 964-7531-33-8 : ۲۵۰۰۰ ریال؛ ج. ۱: 964-7531-32-X : ۲۵۰۰۰ ریال؛ ج. ۲: 964-7531-39-7 : ۲۵۰۰۰ ریال؛ ج. ۳: 9647531540 : ۲۵۰۰۰ ریال؛ ج. ۴: 978-964-7531-73-3 : ۲۵۰۰۰ ریال؛ ج. ۵: 978-964-7531-87-0 : ۹۰۰۰۰ ریال؛

ج. ۶: 978-600-6143-09-5

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

پشت جلد به انگلیسی: Abdolnabi Salami. A Treasury of the Dialectology of Fars

یادداشت: ۲ (چاپ اول: ۱۳۸۴).

یادداشت: ۴ (چاپ اول: ۱۳۸۶).

یادداشت: ۵ (چاپ اول: ۱۳۸۸).

یادداشت: ۶ (چاپ اول: ۱۳۹۰) (فیا).

یادداشت: نمایه.

متممات: ج. ۲. گویش‌های بنگالی، پاپویی، دوسیرانی، ریجی، سمنانی، کلانی (تاجیکی)، گرگانی، گلونکنی، مسقانی، نودانی. - ج. ۴. گویش‌های

سیری، اهلی، تنگ‌کوشی، خنجی، زانرویملی، شورلی، قلاتی، کارلانی، گولشی/زینل‌آبادی. - ج. ۵. گویش‌های لشکنکی/باقلاتی،

لوزی، بنارویملی، بیخه‌ای، بیومی، بالادهی، کریشکی، چاموززی، فناغی، فیشری، کورده‌ای، گلمدری، لاری. - ج. ۶. گویش‌های اهومای،

باشتویملی، بلوچی، جویی، چله‌گونوی، دوزی، دشتی، لای زنگلی، مزایجلی/ساجونی

گویش‌شناسی

موضوع: زبان‌های ایرانی -- گویش‌ها

موضوع: فرهنگستان زبان و ادب فارسی. گروه نشر آثار

فرهنگستان زبان و ادب فارسی. گروه گویش‌شناسی

۱۳۸۲ مه PIRYAT/۱۲۱

۴۹۹

۸۵-۸۲ م

شماره کتابشناسی ملی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹	مقدمه دکتر محمد دبیرمقدم
۱۳	پیش‌گفتار
۱۷	معرفی مناطق مورد مطالعه
۵۷	گویشوران این دفتر
۶۳	جدول آوانگاری
۶۵	نکات دستوری گویش‌های مورد مطالعه
۶۶	ساختمان فعل
۸۴	نشانه‌های مصدر
۸۵	اسم
۸۸	صفت
۹۱	واژه‌های موضوعی
۹۲	اندام‌ها، اجزا و وابسته‌های بدن انسان
۱۰۲	ابزار کار، و وسایل خانه و کانی‌ها
۱۲۰	آفت‌ها، بیماری‌ها و واژه‌های وابسته
۱۲۸	بستگان، آشنایان و پیشه‌وران
۱۳۸	معماری و اجزای ساختمان
۱۴۶	پوشیدنی‌ها، زیورها و وابسته‌های آنها
۱۵۲	گیاهان (درختان، گیاهان دارویی و غذایی) و خوراکی‌ها
۱۶۸	جانداران (حیوانات، پرندگان، حشرات) و موجودات خیالی
۱۸۲	عناصر و موقعیت‌های جغرافیایی و پدیده‌های طبیعی
۱۹۰	واحد سنجش (عدد، زمان، وزن)
۲۰۲	مزه‌ها و رنگ‌ها
۲۰۴	ضمیرها (شخصی، مشترک، اشاره، مبهم)

۲۰۸	خصلت‌های انسانی و دیگر واژه‌ها
۲۲۰	واژه‌های متضاد (رودررو)
۲۳۲	فعل‌های لازم و متعدی
۲۷۰	مصدرها و چند فعل وابسته به آنها
۳۱۰	مصدرهای مرکب
۳۱۹	جمله‌های فارسی و معادل آنها در گویش‌ها
۳۷۵	نمایه فارسی
۴۰۷	تصاویر

مقدمه

مایه بسی مسرت و خرسندی است که فرهنگستان زبان و ادب فارسی دفتر دیگری از گنجینه گویش‌شناسی فارس را به پژوهشگران و علاقه‌مندان به زبان‌ها و گویش‌های ایرانی تقدیم می‌کند. بی‌گمان این گنجینه به جهات مختلفی حائز اهمیت است. اول این‌که فرهنگستان ام‌وار است از این طریق و البته طرق دیگر (مانند برگزاری یا مشارکت در برگزاری همایش‌های گویش‌شناسی و نیز انتشار مجله گویش‌شناسی) اهتمام و علاقه باطنی خود را به حفظ، ثبت و معرفی زبان‌ها و گویش‌های محلی ایران آشکار سازد و دیگران را نیز به این مهم ترغیب و تشویق نماید. دوم این‌که برای آیندگان، مواد زبانی حتی‌المقدور درخوری را در باره این زبان‌ها و گویش‌ها که همواره خطر تضعیف و زوال در کمین آنها است فراهم آورد. سوم این‌که الگویی آزموده‌شده به‌دست دهد تا منابعی گردآوری داده‌های گویشی از دیگر استان‌ها قرار گیرد. هرچند این آگاهی در فرهنگستان هست که الگوی آزموده‌شده خالی از اشکال نیست و الگوها و تدبیرهای دیگری نیز می‌توان برای گردآوری مواد زبانی و گویشی پیشنهاد کرد.

هم‌زمان با انتشار این دفتر که ششمین دفتر از گنجینه گویش‌شناسی فارس است، فرهنگستان دلمه گردآوری داده‌های زبانی و گویشی را به برخی استان‌های دیگر کشور گسترش داده است. علاوه بر آن، از طریق وب‌گاه گره زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، شیوه‌نامه‌ای برای گردآوری داده‌های زبانی در دسترس پژوهشگران و علاقه‌مندان به این حوزه مطالعاتی قرار گرفته است. فرهنگستان زبان و ادب فارسی مصمم است سهم شایسته‌ای در فراهم نمودن مواد زبانی مورد نیاز برای تدوین اطلس زبان‌ها و گویش‌های رایج در ایران برعهده بگیرد.

مؤلف ششمین دفتر گنجینه گویش‌شناسی فارس نیز آقای عبدشبی سلامی (پور دوان) است که پژوهشگری است بسیار کوشا و علاقه‌مند که شخصاً با حضور در مناطقی که هریک از گویش‌های مورد نظر در آن گفتگو می‌شود، اقدام به گردآوری شواهد زبانی نموده است. افزون بر آن، شرحی که وی از شرایط زندگی اجتماعی و شغلی و محل سکونت، موقعیت جغرافیایی، طبیعی و پوشش گیاهی، مذهب و باورها، تاریخ و آثار تاریخی و اماکن متبرکه، علما و مشاهیر، امکانات رفاهی، آموزشی و بهداشتی، استعدادهای گردشگری، تعداد گویشوران هر گویش به‌دست می‌دهد، نه‌تنها برای خوانندگان و پژوهندگان امروزی و نسل کنونی مفتنم و آگاهی‌بخش است، بلکه بی‌تردید سابقه‌ای مستند خواهد بود برای پژوهشگران آتی و نسل‌های

آینده، گاه توصیف‌هایی که مؤلف محترم، با همت و با احساس این اثر، از زیبایی‌های طبیعت آن منطقه به‌دست می‌دهد، بسیار وجدانگیز است.

به لحاظ زبان‌شناختی نیز دفتر ششم گنجینه گویش‌شناسی فارس حائز اهمیت است. برخی از گویش‌های این دفتر در مناطقی بسیار دورافتاده و منزوی و به‌دور از امکانات آموزشی و تأثیرپذیری از شبکه تلویزیونی قرار دارند و به گفته مؤلف به نظر می‌رسد حداقل دویست سال از حضور ساکنان آن در این منطقه می‌گذرد. این شرایط حکایت از آن دارد که می‌توان انتظار داشت ویژگی‌های زبان‌شناختی کهن یا متمایزی در زبان سخنگویان آن گویش‌ها پیدا شود. یکی از این گویش‌ها، گویش *لهوهای* است که در این دفتر از آن صحبت شده است. طبق شرحی که از *لهو* یا *لهو* به‌دست داده شده، این روستا در منتهی‌الیه شرق لارستان و در دو کیلومتری مرز استان هرمزگان واقع است. در این روستا که جاده آن خاکی است، دویست و نود نفر در کومه‌های پوشیده از تیرهای چوبی و شاخ و برگ گیاهان زندگی می‌کنند و همه دامدار هستند. واقع شدن روستای *لهو* یا *لهو* در دامنه بلندترین کوه منطقه موسوم به کوه شب و دانستن این‌که روستا از سال ۱۳۸۱ برخوردار از برق شده است و در فضای روستا امواج مخابراتی و رادیو-تلویزیونی وجود ندارد و از نیمه دوم سال ۱۳۸۸ رئیس شورای اسلامی روستا توانسته است با مساعدت فرمانداری لار در خانه‌اش آنتن بشقاب‌ی ماهواره نصب کند و از شبکه‌های داخلی صدا و سیما استفاده کند و دیگران هم با حضور در آنجا از آن برنامه‌ها برخوردار شوند، تصویر روشنی از منزوی بودن این روستا و ساکنانش به‌دست می‌دهد. به لحاظ ویژگی‌های زبان‌شناختی آنچه در نگاه اول در داده‌ها مشاهده می‌شود، این است که نشانه معرفه فقط در این گویش *eka*- است ولی این نشانه در اکثر گویش‌های مطالعه شده، در این دفتر *la*- است (بنگرید به صفحات ۸۴ و ۸۵ دفتر ششم).

اکنون با گردآوری ۵۴ گویش فارس در مجموعه گنجینه گویش‌شناسی فارس و فراهم شدن مواد زبانی قابل ملاحظه‌ای از گویش‌های رایج در این استان، زمینه انجام پژوهش‌های زبان‌شناختی خاص‌تر و موشکافانه‌تر مهیا گشته است. بررسی ریشه‌شناختی نام‌های خاص (مانند نام کوه‌ها، تپه‌ها، و دره‌ها) و نام‌های عام و واژه‌های عمومی، تعیین موارد «مرز همگویی» (isogloss) و مقایسه مقوله‌های دستوری (همچون نشانه‌های معرفه، نکره، جمع، نشانه‌های حالت و مطابقه) اطلاعات جالبی را در باره پیشینه و نیز پراکندگی این گویش‌ها در استان فارس و در گام‌های بعدی پس از تکمیل شدن گنجینه‌های گویش‌شناسی مربوط به استان‌های مجاور

آن در گستره جغرافیائی وسیع‌تر به‌دست خواهد داد. این اطلاعات به پرسش‌ها و کنجکاوی‌های بسیاری پاسخ خواهد داد و بی‌شک پرسش‌های تازه‌ای را مطرح خواهد کرد. امیدوار هستیم مجموعه اطلاعاتی که به این ترتیب فراهم خواهد شد، نهایتاً به شناخت بیشتر ما از توزیع زبان‌ها و گویش‌های ایرانی در گذشته و حال و برخورد و تماس میان آنها و روند تغییرات زبانی مشهود در آنها منجر شود.

در این دفتر از گنجینه گویش‌شناسی فارس اشارهای گذرا به مهاجرت سخنگویان دیگر زبان‌های ایرانی و نیز زبان‌های غیرایرانی به این منطقه شده است (بنگرید به صفحات ۴۲ و ۴۸). استقرار گویشوران زبان لری و نیز زبان عربی و ترک‌زبانان قشقایی در مناطقی از استان فارس که قرن‌ها پیش صورت گرفته است، جزیره‌های زبانی درخور مطالعه‌ای را ایجاد کرده است. بی‌تردید، پژوهش در ویژگی‌های زبان‌شناختی آن گونه‌های زبانی و مقایسه آنها با دیگر گونه‌های این زبان‌ها در داخل و خارج ایران، اطلاعات ارزشمندی را برای زبان‌شناسان به ارمغان خواهد داشت.

محمد دبیرمقدم

عضو پیوسته و معاون علمی و پژوهشی

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

بهمن ۱۳۸۹

پیش‌گفتار

دفتر ششم از مجموعه گنجینه گویش‌شناسی فارس به بررسی نه گویش دیگر جنوب شرقی فارس، شامل گویش‌های اِهوه‌ای، باشتویه‌ای، بلوچی، جویمی، چاه‌گونویی، دُرزی، دشتی (دشتینی)، لای‌زنگانی و مزایجانی/ساچونی پرداخته است.

از این گویش‌ها، شش گویش اِهوه‌ای، باشتویه‌ای، بلوچی، جویمی، دُرزی و دشتینی در محدوده شهرستان لار واقع‌اند. دو گویش لای‌زنگانی و چاه‌گونویی در شهرستان داراب، و گویش‌های مزایجانی/ساچونی در شهرستان نازهابادشده زرین‌دشت، به مرکزیت حاجی‌آباد تکلم می‌شوند.

از میان گویش‌های لارستانی این دفتر، دو گویش اِهوه‌ای و بلوچی، گویش‌های مهاجر از استان هرمزگان‌اند که در منتهی‌الیه مرز شرقی لارستان با هرمزگان، در دو جامعه سنتی دامدار، و در عین حال محروم، تکلم می‌شوند. این گویش‌ها با وجود تفاوت‌های مشهود، با گویش‌های اُچمی لارستان، ازجمله چهار گویش اُچمی این دفتر، (باشتویه‌ای، جویمی، دُرزی و دشتینی) خویشاوندند. وجه اشتراک شاخص آنها، ساخت کبابی (ارگتیو) در زمان‌های گذشته فعل‌های متعدی است.

سه گویش چاه‌گونویی، لای‌زنگانی و مزایجانی/ساچونی که خارج از منطقه لارستان و در مناطق شمالی آن واقع‌اند، از نظر ساخت دستوری، درخصوص فعل‌های متعدی، با گویش‌های اُچمی مزبور کاملاً متفاوت‌اند و به ساخت دستور فارسی معیار نزدیک‌اند. از میان این سه گویش، لای‌زنگانی گویشی لُری است که بیش از دویست سال از سرزمین مادری (کُهلویه و بویراحمد) دور افتاده است، اما بی‌تردید بسیاری از ویژگی‌های گویش لُری را علی‌رغم بُعد زمانی و مکانی، هنوز حفظ کرده است.

چنان‌که بخواهیم ویژگی‌های گویش‌های این دفتر را به اختصار بیان کنیم، باید به نکات زیر اشاره کرد:

گویش‌های اِهوه‌ای و بلوچی، با تمام خصوصیات خویشاوندی، در نکات زیر با هم متفاوت‌اند:

تفاوت تعداد قابل توجهی از واژه‌ها نشان می‌دهد که این دو جامعه از دو نقطه مختلف از مناطق هرمزگان به نقاط فعلی در لارستان کوچ کرده‌اند. برای نمونه، می‌توان به واژه‌های زیر اشاره کرد: kozak (اوه‌ای) در برابر kočuk (بلوچی) به معنی آرنج، یا kelik (اوه‌ای) در برابر kelenč (بلوچی) به معنی انگشت، یا močal (اوه‌ای) در برابر lams (بلوچی) به معنی فلج. همچنین تفاوت‌هایی که در شناسه‌های فعل‌های متعدی از جمله شناسه سوم شخص مفرد در فعل‌های گذشته متعدی که در گویش اوه‌ای -i است مثل i-kardi (انداخت) یا i-sâxt (بافت)، در گویش بلوچی -še- در فعل še-ndâxt (انداخت) و -eš- در فعل eš-bâft (بافت) است. علاوه بر این، شناسه دوم شخص مفرد نیز در این دو متفاوت‌اند. مثل et-kardi (انداختی) در اوه‌ای و te-ndâxt در بلوچی یا et-xârd (خوردی) در اوه‌ای و ed-xârd در بلوچی (رک). فعل‌های متعدی انداختن و خوردن در بخش فعل‌ها).

در هر دو گویش، فعل‌های گذشته ساده و گذشته نقلی یکسان ادا می‌شوند. مانند: xât-om که در اوه‌ای هم برای خوابیدم به کار می‌رود، و هم برای خوابیده‌ام. یا xôbid-om که این نیز در بلوچی هم برای خوابیدم به کار می‌رود و هم برای خوابیده‌ام. همچنین فعل hond-om در هر دو گویش، هم برای آمدم به کار می‌رود، و هم برای آمده‌ام. این برداشت نتیجه پرسش و پاسخ‌های بسیاری است که با گویشوران پیر و جوان هر دو جامعه اوه‌ای و بلوچی صورت گرفته است. احتمال این که در گذشته، بین این دو حالت از فعل‌ها، با ایجاد تأکید بر روی جزئی از فعل، تفاوت وجود داشته کم نیست. اما امروزه این تأکید احتمالی، حذف گردیده یا حداقل به گوش افراد غیربومی نامحسوس است. (برای اطلاعات بیشتر، رک. فعل‌های لازم و متعدی).

در گویش دشتی دو آوای ŋ (توالی n و g) مثل om-besseŋ (انداخته بودم) یا doðoŋ (دندان) و ð مثل: šâ-ðut (دوخت) یا ðavoŋ (زبان)، دو مورد از ویژگی‌های این گویش است. علاوه بر اینها در گویش دشتی، فعل‌های دوم شخص مفرد و جمع، یکسان ادا می‌شوند. مثل: miyand-i (می‌آمدی و می‌آمدید) یا kaxoteð-i (می‌خوابی و می‌خوابیدید).

در گویش‌های باشتویه‌ای و چاه‌گونی نیز همچون دشتی هرگاه n پیش از g قرار گیرد، توالی این دو به صورت ŋ در می‌آید. مانند johon (قشنگ) در گویش باشتویه‌ای و qašan در گویش چاه‌گونی یا janal (جنگل). این آواها در گویش‌های فداغی و گله‌داری و بعضی از گویش‌های بیخه‌ای مانند گویش چاه‌ورزی نیز وجود دارند (رک. دفتر پنجم همین مجموعه).

در گویش لای‌زنگانی، مانند دیگر گویش‌های لری مورد مطالعه این مجموعه، نشانه استمرار در گذشته استمراری و حال اخباری، *i* است. مثل: *i-maδ-om* (می‌آمدم) یا *i-xôsiδ-i* (می‌خوابیدی) و *i-re* (می‌رود) یا *voy-i-siδ-im* (می‌ایستیم).

در گویش چاه‌گونویی و لای‌زنگانی، اغلب، همخوان *ž* جایگزین *j* می‌شود. برای مثال، می‌توان به واژه‌های *ižâ* (اینجا)، *užâ* (آنجا) و *kožâ* (کجا) اشاره کرد. همچنین در وسط و پایان واژه، همخوان *v* جایگزین *b* می‌شود. مانند *âvoru* (آبرو)، *xâviδan* (خوابیدن)، *qavul* (قبول). گاهی نیز *p* جایگزین *b* می‌شود. مانند *bečaspun* (بچسبان)، البته دو مورد اخیر منحصر به گویش چاه‌گونویی و لای‌زنگانی نیست، بلکه ویژگی اغلب گویش‌های مورد مطالعه در فارس است.

در گویش جویمی فعل‌های حال اخباری و آینده متفاوت‌اند درحالی‌که در بعضی از گویش‌های مورد مطالعه در این مجموعه، مانند فارسی، در گفتار یکسان ادا می‌شوند. مثال: *and-âm* (می‌آیم) و *ad-om* (خواهم آمد) یا *xât-âm* (می‌خوابم) و *axât-om* (خواهم خوابید). این نکته در گویش دشتی هم رعایت می‌شود. مثل: *kaštom* (می‌روم) و *mišom* (خواهم رفت) یا *kageret-om* (می‌گیرم) و *oŋeret-om* (خواهم گرفت).

در گویش‌های اچمی این دفتر، همچون دیگر گویش‌های اچمی کمتر متأثر شده از فارسی، همخوان *k* جایگزین *q* در فارسی (فارسی محلی یا لری) می‌شود. مانند: *sanduk* (صندوق)، *kolf* (قفل)، *kalam* (قلم) و غیره. نکته دیگر در مورد دو گروه گویش‌های اچمی و لری (فارسی محلی) در آوای «ک» است که در اچمی اغلب پس‌کامی «*k*» و در گویش‌های مهاجر اغلب پیش‌کامی «*k̰*» است.

در گویش‌های اچمی و گویش‌های خویشاوند با آنها (چه در این دفتر و چه در دفترهای پیشین) نشانه نهی در فعل‌های امر، *ma* است. مانند *ma-xât*، *ma-xat*، *ma-xâb* (نخواب). درحالی‌که این نشانه در گویش‌های لری و فارسی محلی، *na* است. مانند *na-xâv*، *na-xô* (نخواب) و مانند اینها.

دقت در ویژگی‌های واژگانی، آوایی و دستوری گویش‌ها، از جمله گویش‌های مورد مطالعه در این دفتر، نیاز به فرصت بیشتر، نگاه دقیق‌تر و بررسی موشکافانه‌تر دارد که در این مجال نمی‌گنجد. امید که مواد گردآوری‌شده این مجموعه زمینه‌های تحقیقات زبان‌شناسانه و مردم‌شناسانه را فراهم کرده باشد تا محققان حوزه‌های مربوطه در جهت شناسایی ساختارهای علمی گویش‌های ایرانی آثار ارزنده و ماندگار خلق نموده و به یادگار بگذارند.

در پایان وظیفه خود می‌دانم که چون گذشته، از کلیه مردم مناطق مورد مطالعه این دفتر و گویشوران نیکاندیش، به‌ویژه میزبانانی که با صرف وقت بسیار و صداقت و صمیمیت و صف‌ناپذیر در به بار نشستن این مجموعه نگارنده را یاری کرده‌اند، سپاسگزار باشم. همچنین از مسئولان فرهیخته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، به‌ویژه اساتید محترم، جناب آقایان دکتر علی‌اشرف صادقی، دکتر محمد دبیرمقدم و دکتر محمدرضا نصیری صمیمانه ممنونم که از حمایت‌های بی‌دریغشان بهره‌ها برده‌ام.

عبدالنبی سلامی

پور ذوان

آذرماه ۱۳۸۹